

هو الابھی

ای امة الله و ابنة امته اگر چه آن طیر حدیقه محبت بگلشن باقی شتافت و بگلزار معنوی پرواز نمود لکن فرقت پر حرقتش آتش در آن قلوب اماء رحمن افروخت اهل حرم کبریاء از این خبر محزون و پریشان و دلخون و گریان شدند این نظر بالفت و محبت و مودت است که من دون اراده متأثر میشوند و این از رقت و لطافت قلب است و الا نفوس مطمئنہ از صعود از این دار غرور مستبشزند و از عروج از عالم تنگ و تاریک محفوظ و مسرور آن شعاع نورانی بشمس حقیقت راجع و آن قطره صغیره ببحر اعظم وارد و آن گل گلستان معانی بجنت رحمانی و گلشن ملکوت ابھی واصل محزون مباش مخمود مباش (عبدالبهاء عباس)